SHAHRARANEWS.IR
۵شنبه
سـال پانزدهـم
۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۳
۲۳ شوال ۱۴۴۵
شماره ۴۲۰۸
Mashhadchehreh.ir
Photoshahr.ir
سایت شهرآرا نیوز را با اسکن این کد دنبال کنید
میثاق‌نامه اخلاق حرفه‌ای
روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی
صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
مدیر مسئول: سید میثم موسوی مهر
سردبیر: سید سجاد طلوع هاشمی
نشانی: خیابان کوهسنگی، ابتدای کوهسنگی ۱۵
دفتر مرکزی: ۰۵۱-۳۷۲ ۸۸۸۸ ۱-۵
نمابر: ۰۵۱-۳۸۴۹۰۳۸۴
روابط عمومی: ۰۵۱-۳۸۴۸۳۷۵۲
شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹

دمای هوای مشهد
رطوبت هوا ۲۶٪ ↓ ۱۳° ↑ ۲۶°
صبح ۱۷ ظهر ۲۴
عصر ۲۶ شب ۲۱

اوقات شرعی مشهد
اذان ظهر ۱۱:۲۸:۲۸ نیمه شب شرعی ۲۲:۴۱:۰۴
غروب آفتاب ۱۸:۲۰:۱۳ اذان صبح فردا ۰۳:۰۰:۳۰
اذان مغرب ۱۸:۳۹:۴۷ طلوع آفتاب فردا ۰۴:۳۵:۴۰

اول شخص

خاموشی در اوج درخشش

درباره زنده یاد حسن حامد، نمایشنامه نویس و کارگردان فقید مشهدی که ۳۱سال از کوچ زودهنگام او می گذرد

آزاده چشمه‌سنگی
نویسنده

بازی رضا عطاران در تئاترهای تابستانه، «بچه تابستان» و «بازی شبانه» به کارگردانی حسن حامد در مشهد

«رحمان: رحمون اومده! رحمون! باز یکه و یالغوز. همون رحمون. آی کُپُلا، گشنه ها، دبوری ها، زخم و زیلی ها، لش و[...]، لنتوری ها، گنده بک ها، یقه چرک ها، فکل کراواتی ها، قرتی ها، ارباب لات ها، هی با شمام! نه برق فلاش مصطفی فلاش غافل‌گیرت می‌کنه نه صدای ترقه تیرتخته ای حیدر، دلو می لرزونه. نه صدای ایاق رسول واکسی تو گوش زنگ می زنه! حیدرا! مصطفی! رسول! خوش غیرتا، همسفره ها، بی معرفتا، آخه لامصبا کجایین؟» این ها بخشی از آخرین دیالوگ های حسن حامد است در آخرین نمایشنامه خود با عنوان «بچه تابستان»، از زبان کودکی که قرار بود روی صحنه به نمایندگی از کودکان کار، از حسرت ها و رویاهای بر باد رفته بگوید. نمایشنامه ای با درون مایه ای اجتماعی که در سال ۱۳۷۱ به دهمین جشنواره ملی تئاتر فجر راه پیدا کرد و عنوان بهترین نمایشنامه را به خود اختصاص داد، اما اجرای عمومی آن در تیر همان سال، یک غایب مهم داشت. حسن حامد خیلی زود در حالی که سی سال بیشتر نداشت درست در قله مسیر نویسندگی اش، بر اثر بیماری ذات الریه از دنیا رفت. او که از روزگار نوجوانی در فضای هنرمندپرور زادگاه خود مشهد با حمایت برادرش مجید حامد با دنیای تئاتر آشنا شده بود، اولین بار تیر سال ۱۳۵۵ در سن چهارده سالگی لذت بازی برابر تماشاگران را با نمایش «بازی ها» تجربه کرد و پس از پیروزی انقلاب اسلامی برای تحصیل در دانشسرای هنر به تهران رفت، اما با انحلال دانشسرا به مشهد برگشت و نخستین نمایشنامه خود را با عنوان «خسرالدنیا و الاخره» قلم زد. در سال ۱۳۶۰ نیز با حضور در نخستین جشنواره مراکز هلال احمر رتبه یک بازیگری را به خود اختصاص داد. آشنایی رضا عطاران با حسن حامد نیز در همین سال با نمایش «تروربازی» رقم خورد. پس از این تجربه موفق بود که همکاری آن ها با دو نمایشنامه دیگر با نام های «موش عاشق» و «ما برنده ایم، عمو سام بازنده» در سال ۱۳۶۱ادامه یافت و سرانجام با هردو با نمایش «بازی شبانه» در سومین دوره جشنواره تئاتر فجر، به عرصه نمایشنامه نویسی و بازیگری کشور معرفی شدند. تله تئاترهای صبح جمعه شبکه اول سیما در اوایل دهه ۶۰ نیز کاری از حسن حامد با بازی رضا عطاران بود که بخش های نمایشی متعددی را بر مبنای غزلیات حافظ، داستان های شاهنامه و حکایات سعدی تولید و آماده پخش می‌کرد. از نیمه های دهه ۶۰، روندکاری حسن حامد به سراشیبی سرعت و موفقیت افتاد به طوری که نمایش «میلیمترها» را به صحنه برد و همچنان که برای حضور در خدمت سربازی به پادگان ۰۴بیرجند می رفت، نمایشنامه ای به تهران فرستاد، تیم تئاتر خود با عنوان «گروه عصر» را تشکیل داد و در پادگان آموزشی نیز برای سربازهای بی سواد معلمی می‌کرد. سال ۱۳۶۶ نمایش روز یلدا را نوشت، کارگردانی کرد و با نام «تابستانه» به روی صحنه تالار سنگلج برد. نمایشی که در جشنواره ملی کارگر عنوان نخست بهترین نویسندگی، بهترین کارگردانی و رتبه اول و دوم بازیگری را برای حسن حامد و تیم بازیگری اش به ارمغان آورد: «حیدر: شاید کسی باورش نمیشه که منم گریه می‌کنم. تو گریه هام حس می‌کنم به زودی می میرم جوری که هیچ کس نمرده. مثل یک سگ جون می‌کنم. هفت بار جون میدم. می میرم و باز زنده میشم. شاید تا تو بیای من غزل رو خونده باشم...» بعد از اجرای این نمایش بود که برای پیشرفت و توسعه فعالیت هایش مشهد را به مقصد تهران ترک کرد. نمایش «افسانه زمینی» در سال ۱۳۶۷ به هشتمین جشنواره تئاتر فجر راه یافت و نمایشنامه «دردسر برای سوم شخص مفرد» با نیم نگاهی به داستان های کوتاه چخوف، در تهران مورد استقبال قرارگرفت. سال ۱۳۷۰ نیز دیالوگ های نمایش «ارتفاع» مخاطبان بسیاری را به سالن تئاتر شهر تهران می‌کشاند: «مثل برق گرفته ها از جا می پرم. بیرون اتاقم روی بوم، باد لباس های زرد و بنفش و صورتی رو تکون میده. توی اونا می‌گردم. پشت هر لباس، صدای مادره. صدای مادر توی بادهاست. اشکام رو باد میبره. لباس ها صورتم رو مثل دست مادر ناز می‌کنن، تر می‌کنن، خشک می‌کنن. صدای مادر رو باد میبره. منم با بادها میرم. صدام‌کن مادر. صدای توامنه. هی مادر، مادرم، بهشتت‌کجاست مادر؟..»

او مضامین انسانی، احساسی و قابل تأمل را دستمایه آثار روان و پرکشش خود قرار می داد. همان سال ۱۳۷۰ هم نمایشنامه ای با عنوان «داستان خنده ناک دیب» را نوشت، اما پس از آنکه برای اجرا با موانعی روبه رو شد، دست به نگارش نمایشنامه «بچه تابستان» زد. پس از اجرا در جشنواره بودکه درست در اوج درخشش حسن حامد در عرصه تئاترکشور، یک سرماخوردگی ساده به یک ذات الریه سخت تبدیل شد و حسن حامد را در سن سی سالگی از جمع هنرمندان خوش نام مشهدی‌گرفت، اما پس از درگذشت او، با انتشار متن نمایشنامه بچه تابستان در «مجله نمایش»، بار دیگر اهالی تئاتر به شکل گسترده تری، با ادبیات، قلم و نگاه نمایشنامه نویسی او آشنا شدند طوری که متن های به جامانده از او تا همین امروز الهام بخش تولید آثاری می شودکه تیم تولید آن به دنبال نمایشنامه هایی با پرسوناژ کم، طراحی صحنه ساده و مضامین عمیق و درخور تأمل اند.

برای کسب اطلاعات بیشتردرباره‌حسن‌حامد کدرااسکن‌کنید
scanit

بازی شبانه

حسن حامد، نخستین بار با نمایش «بازی شبانه» در جشنواره تئاتر فجر حاضر شد. نمایشی‌که خودکارگردانی آن را بر عهده‌گرفت و موجب شد تا پس از درخشش در جشنواره، علاوه بر توفیق در متن، رضا عطاران نیز به عنوان یکی از استعدادهای جوان و خلاق در عرصه بازیگری به عرصه هنرکشور معرفی شود. داستان این اثر در فضای دفاع مقدس درباره دو رزمنده جوان ایرانی است‌که از لشکر خود دور مانده و با خاطره بازی درگذشته خود، سرگذشت خود را روایت می‌کنند.

ارتفاع

نمایشنامه «ارتفاع» به قلم حسن حامد حول محور جوانی دانشجو به نام نادر است‌که به موجب فشارهای اجتماعی، ازدحام جامعه شهری و ناامیدی، به بام ساختمانی می رود تا به زندگی خود پایان دهد، اما دیگر شخصیت اثر یعنی فرشته با رویکردی شاعرانه و جذاب سعی دارد تا او را از خودکشی منصرف کند. اثری درخور اعتنا با درامی پرکشش‌که در ابتدای دهه ۷۰ دیدگاه های مختلف هنری را با خود همراه‌کرد.

کوچه

منطقِ امام صادق(ع) و بایستگی های امر به معروف

غلامرضا بنی اسدی
روزنامه نگار

امام آمده است تا زندگی و عمل و حتی اندیشه و پندارش را مدیریت کند. آمده است تا از مردمانِ متفرق، امت بسازد که رفتارشان در هندسه دینی، شبیه امامشان باشد. تکلیف همین است که با مشابه سازی عملی خود به ائمه، زیست مؤمنانه را مشق نوشت هر روزمان کنیم. توجه به احادیث و خود مخاطب انگاری در برابر کلام عصمت از این منظر مهم است که خوانش ما را و شنیدن ما را به عمل غنی سازی کند و الا اگر این رابطه عملی اتفاق نیفتد، هزار آیه و روایت مثل رساندن نامه از این به آن خواهیم بود. سودی نخواهد رساند ما را. مگر نامه رسان بهره می برد از محتوای غنی نامه ها و سوغاتی که افراد برای هم می فرستند؟ خوانشِ عملی حدیث است که زندگی را به حیات طیبه ارتقا می دهد. سویه نگاه که این شد، کلامِ حضرت امام صادق(ع) رفتار امروزمان را چنان سازمان خواهد داد که زندگی نظم و نسق گیرد. این کلام روشنی بخش امام است که: إِنَّمَا یَأْمُرُ بِالْمَعْرُوفِ وَیَنْهَی عَنِ الْمُنْکَرِ مَنْ کَانَتْ فِیهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ عَالِمٌ بِمَا یَأْمُرُ عَالِمٌ بِمَا یَنْهَی عَادِلٌ فِیمَا یَأْمُرُ عَادِلٌ فِیمَا یَنْهَی رَفِیقٌ بِمَا یَأْمُرُ رَفِیقٌ بِمَا یَنْهَی؛ تنها کسی می تواند امر به معروف یا نهی از منکر کند که دارای سه صفت باشد: به آنچه امر می کند و از آنچه نهی می کند آگاه باشد، عادلانه امر و نهی کند، با مهربانی و نرمی امر و نهی کند. به قول اهل ادب، انما از اداتِ حصر است. یعنی الا و لابد فقط کسانی می توانند و مجازند امر به معروف و نهی از منکر کنند که دارای این سه شرط باشند. حتی فقدان یکی از این سه هم افراد را از دایره امر و نهی بیرون می کند. دلیلش هم روشن است و به شفافیت هم خود ما دیده ایم که ورود افراد غیر به این ساحت جز شر به پا نمی کند. حتی اگر نیتِ افراد صددرصد خیر باشد. نمونه های نزدیک آن را هم به یاد داریم آنکه با سطل ماست بر سر زن بی حجاب کوبید، آبرو از معروفِ حجاب برد. آنکه با دوربینِ روشن به سراغ زن بی حجاب رفت، به تاریک شدن فضای ادب و معروف کمک کرد.

کسی باید به این واجب همت کند که حدود و ثغور آن را بداند.

کلان تر از فرد آمر و ناهی و التزام به بایستگی های کار، دانستنِ این واقعیت است که نباید واجب جامعه ساز را در اندازه حجاب، با همه اهمیت آن، محدود کرد. باید در همه حوزه ها به ویژه اقتصادی و مدیریتی و سیاسی، مجاهدانه وارد میدان شد. دانستن را با توانستن و خواستن باید همراه کرد تا در همه حوزه ها بتوان معروف را جای منکر نشاند و همه منکرات را به دست جاروی طهارت بخش سپرد.

تک موردی دانستن و به حجاب محدود کردن امر به معروف، ظلم به این واجب تربیت کننده و جامعه ساز است. باید همان طور که رئیس جمهور رئیسی وعده داد گشتِ ارشاد مدیران به راه انداخت. باید همان طور که در بیانیه گام دوم انقلاب تصریح شده است برای طهارت در انواع آن به ویژه حوزه اقتصاد کوشید. با این منطق می توان در شمار پویندگان منهج امام صادق(ع) قرار گرفت.

حدیث

مِن أخلاقِ الجاهِلِ الإجابَةُ قَبلَ أن يَسمَعَ، وَالمُعارَضَةُ قَبلَ أن يَفهَمَ، وَالحُكمُ بِما لا يَعلَمُ.
از ویژگی های نادان، پاسخ گفتن پیش از شنیدن و ستیزه کردن پیش از فهمیدن و حکم دادن به چیزی است که نمی داند.

بحار الأنوار: ۲/ ۶۲/ ۴

عکس روز

زنگ سپاس

همزمان با هفته گرامیداشت مقام معلم، مراسم «زنگ سپاس معلم» در یکی از مدارس قدیمی مشهد با حضور معلمان، دانش‌آموزان و مسئولان شهری و استانی برگزار شد.

عکس: سعید گلی| شهرآرا

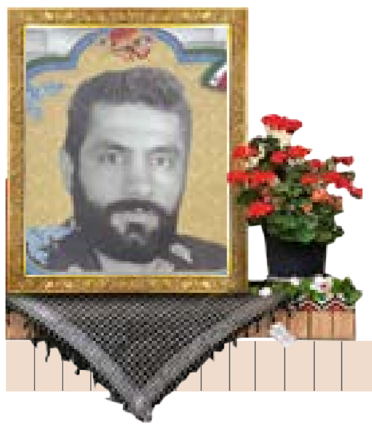

شهید

محمدحسن موقنیان

تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۲/۲۱
تاریخ تولد: ۱۳۲۸/۴/۱
محل تولد: کلاته- دامغان
محل شهادت: مهران

هنر روز

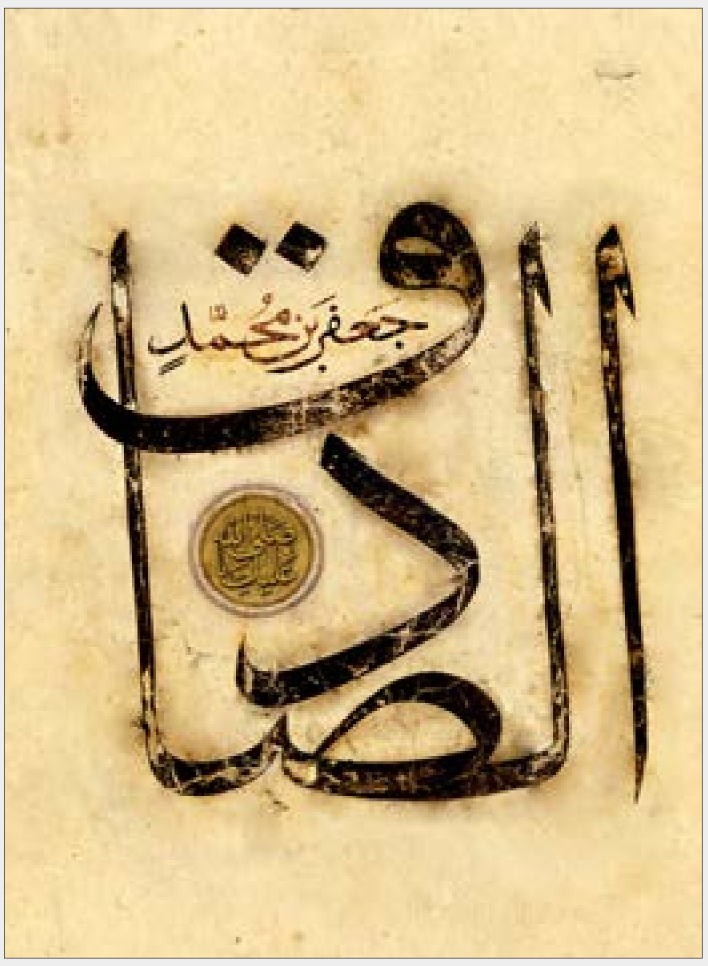

منبع: کانون هنر شیعی

نام مبارک «امام جعفر بن محمد الصادق»(ع) با خط محقق و بر اساس شیوه بایسنقر میرزا

چکامه

بگو چگونه از این شهر صبح صادق رفت...

بگو برای من ای شعر از زمانه ی او
کدام بیت مرا می برد به خانه ی او
شبی دلم به هوای زیارت آمده است
مگر قرار بگیرد در آستانه ی او...
از او بپرس به عقلم نمی رسد اصلا
که چیست فلسفه ی عشق بی کرانه ی او
خوشا به حال عبایی که در کشاکش باد
گذاشته است سرش را فقط به شانه ی او
گذشته ها نگذشته است باقی است هنوز
زبانه می کشد آتش از آشیانه ی او
بگو چگونه از این شهر صبح صادق رفت
بگو برای من از رفتن شبانه ی او..
نه از غم است که من گریه می کنم امشب
فقط به خاطر لبخند صادقانه ی او...

اعظم سعادتمند